

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol.7,  
No. 14,  
Autumn & Winter 2023  
P 5 - 42*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۷ ش ۱۴ پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
صفحات ۵ - ۴۲

## **بررسی تفسیر آیه مودت در اندیشه سید ابو الاعلی مودودی**

عامل حسن مظاهری\*

### **چکیده**

سید ابو الاعلی مودودی به عنوان یکی از اندیشمندان و متفکران معاصر، جایگاه ویژه و خاصی میان جامعه اسلامی به خصوص جامعه شبه قاره دارد تا جایی که تفسیر وی بنام تفهیم القرآن به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده و به عنوان منبع و کتاب درسی در مدارس مختلف کشورهای گوناگون مورد تدریس قرار می گیرد. وی اندیشه-ها و نظرات تفسیری خود را در این تفسیر بجای گذاشته است. از دیگر سو همواره جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قاطبه اندیشمندان و مفسران بوده و مباحث مختلفی را در این باب مطرح کرده اند. یکی از آیات قرآن کریم، آیه ۲۳ سوره شوری است که اجر رسالت پیامبر اکرم را دوستی و محبت به قریبی می داند که بر باور شیعیان مصداق آن اهل بیت اطهار علیهم السلام بوده و بر فضیلت آنان تاکید دارد اما مفسران اهل سنت در باب مصداق قریبی اختلاف نظر دارند. نوشتار حاضر در صدد است با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی دیدگاه سید ابوالاعلی مودودی در تفسیر آیه مودت بپردازد. براساس کنکاش صورت گرفته سید ابوالاعلی مودودی در

---

\*. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی جامعه المصنّفی العالمیه:

تفسیر واژه قربی به سه دیدگاه اشاره می کند و دیدگاه شیعیان را رد کرده و بر آن اشکالاتی وارد می کند از جمله مکی بودن سوره شوری، عدم تناسب درخواست محبت برای خویشاوندان از سوی پیامبر اکرم <sup>ک</sup> با جایگاه آن حضرت. از سوی دیگر مشخص گردید این اشکالات بر اساس ادله روایی قابل رد بوده و قابل قبول نیست و برخی از اشکالات نیز خللی در دیدگاه شیعیان وارد نمی کند.

**واژگان کلیدی:** آیه مودت، اهل بیت، مودودی، سوره شوری، قربی، تفسیر تفهیم

القرآن.

### مقدمه

یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است، آیه مودت است. خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: ... قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (شوری/۲۳) (بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی طلبم جز دوستی در (مورد) نزدیکان» و هر کس نیکی را بدست آورد، برای او در آن نیکی می افزاییم برآستی که خدا بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است).

خداوند متعال در این آیه شریفه به پیامبر اکرم <sup>ک</sup> دستور می دهد که به مؤمنین بگوید من هیچ اجر و پاداشی در مقابل رسالت خود از شما نمی خواهم مگر محبت و دوستی به نزدیکانم.

در باب درخواست اجر رسالت از سوی پیامبران در قرآن کریم آیات مختلفی وجود دارد که در برخی از آیات درخواست اجر از جانب پیامبران رد شده و در برخی اجر درخواست شده است.

در آیات متعددی از زبان حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام بیان شده است که: وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (شعراء / ۱۲۷، ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۶۴) و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی طلبم پاداش من جز بر [عهد] پروردگار جهانیان نیست).

هم چنین در خطاب به پیامبر اکرم ﷺ دو گونه آیات نازل شده است:

۱. آیاتی که پیامبر ﷺ طبق آن هیچ اجر و پاداشی در قبال رسالت و هدایت مردم، از مردم طلب نمی کند. ... قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْعَالَمِينَ (انعام/ ۹۰) بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی طلبم این (رسالت و قرآن چیزی) جز یادآوری برای جهانیان نیست.
۲. آیاتی که پیامبر ﷺ از مردم طلب اجر می کند: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (فرقان / ۵۷) (بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (قرآن و رسالت) نمی طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند) که در آیه شریفه مودت نیز که اشاره شد اجر رسالت را مودت قریبی قرار داده است.

البته این اجر و پاداشی هم که پیامبر اکرم ﷺ از مردم می خواهد در حقیقت برای خود مردم است و الا اجر حقیقی را خداوند به پیامبر ﷺ خواهد داد که خداوند متعال در مورد می فرماید: قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (سبأ/ ۴۷) (بگو: «آنچه از پاداش از شما خواسته ام پس آن برای (خود) شماست پاداش من جز بر عهده خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است).

با مراجعه به آیاتی که در آن درخواست اجر از سوی پیامبر ﷺ نفی شده است، (مانند آیات ۴۰ سوره طور، ۴۶ سوره قلم، ۱۰۴ سوره یوسف، ۵۷ سوره فرقان، ۸۶ و

۸۷ سوره ص) می توان به این مطلب دست یافت که با توجه به سیاق قبل و بعد آن آیات، مخاطب آن کفار و مشرکین و مخالفان پیامبر <sup>ﷺ</sup>، می باشند اما در آیه شریفه ۵۷ سوره فرقان با توجه به سیاق قبل و بعد آیه، خطاب به مؤمنین بوده و از مؤمنین چنین درخواستی شده است.

یکی از آیاتی که پیامبر <sup>ﷺ</sup> از مردم درخواست پاداش می کند آیه مودت است که بر اساس قول مفسران شیعه و بعضی از مفسران اهل سنت ناظر به اهل بیت علیهم السلام بوده و در حقیقت پیامبر <sup>ﷺ</sup> از مؤمنان خواسته است تا به اهل بیت علیهم السلام مودت داشته باشند. بحث اساسی در این آیه شریفه بین مفسران در تفسیر واژه قریبی است. نوشتار حاضر در صدد است تفسیر و نگاه سید ابوالاعلی مودودی را نسبت به تفسیر آیه شریفه مودت مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

### پیشینه پژوهش

در پیشینه عام تحقیق می توان گفت تفاسیر قرآنی همگان در ذیل آیه مودت به تفسیر آن پرداخته اند و همچنین نگاهته های مستقلی نیز در باب تفسیر آیه مودت به رشته تحریر درآمده است از جمله کتاب مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه قرآن و سنت: نگاهی به تفسیر آیه مودت نوشته سید علی حسینی میلانی، کتاب درس هایی از آیه مودت به نویسندگی محمد حسن بیاتی و سید محمود هاشمی شاهرودی، سیمای اهل بیت علیهم السلام در آیه مودت از دیدگاه شیعه و اهل سنت نوشته فدا حسین عابدی، کتاب تفسیر آیه الموده نوشته احمد بن محمد خفاجی. اما بر اساس کنکاش صورت گرفته تا کنون به صورت خاص این آیه شریفه از منظر سید ابوالاعلی مودودی مورد بررسی قرار نگرفته است که با توجه به معاصر بودن وی و نیز جایگاه علمی و

سیاسی و فرهنگی ویژه مودودی در بین مردم مسلمان جهان و همچنین داشتن نظریات روشن‌گرانه و جدید در حوزه‌های مختلف، بررسی نگاه تفسیری مودودی در آیه مودت امری ضروری به نظر می‌رسید.

### زیست نامه سید ابو الاعلی مودودی

سید ابوالاعلی مودودی در رجب‌المرجب سال ۱۳۲۱ ق مطابق با ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۴ م در اورنگ آباد هند در خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. خانواده وی در قرن سوم هجری به محلی بنام چشت در نزدیکی هرات وارد شدند. بزرگ این خاندان ابو احمد ابدال چشتی از فرزندان حسن مثنی بن امام حسن علیه السلام است. نخستین بزرگ این خاندان که به طور مستقل در هندوستان سکنی گزید، ابوالاعلی مودودی در سال ۹۳۵ ق بوده که وی جد اعلا و هم نام علامه مودودی می‌باشد. والدین سید ابوالاعلی مودودی طوری فرزند خود را تربیت نمودند که از همان روزهای آغازین زندگی، تصور مذهب در مغز و روان او نقش‌بست. پدر وی اهتمام خاصی به تربیت او داشت و از همان روزهای نخستین زندگی فرزند خود، تصمیم داشت که پسرش مولوی شود لذا تربیت وی را بر اساس همین امر انجام داد و برای فراگیری فقه و حدیث و آموزش زبان‌های اردو، فارسی و عربی، اساتید مختلفی را به خانه دعوت نمود و خود در خانه به تعلیمات مذهبی او پرداخت. پدر ابوالاعلی مودودی معتقد بود که تربیت ابتدایی کودک باید در خانه انجام گیرد نه در مدرسه چرا که محیط مدرسه آزاد است و این فضای آزاد در تربیت فرزند اثر می‌گذارد. مولانا ابوالاعلی مودودی از اهتمام خاص پدر خود در باب تربیت می‌گوید: پدرم بسیار خوب مرا تربیت کرد. او از مردان شریف روزگار خود بود کلامش به‌غایت روان و موثر بود...

از همان کودکی در فکرم بود... شبها داستان پیامبران، رویدادهای تاریخ هندوستان و دیگر داستان‌های پندآموز را برایم می‌گفت... (گیلانی، ۱۳۸۰: ۵۱).

بعد از فوت پدر تصمیم گرفت در زمینه روزنامه‌نگاری با برادر خود همکاری و فعالیت نماید و از اینجا بود که او قدم به عرصه روزنامه‌نگاری گذاشت و ده‌ها سال در این زمینه فعالیت کرده و با روزنامه‌های مختلفی همچون: تاج، الجمعیت، مسلم، مدینه همکاری داشت و در زمینه روزنامه‌نگاری تجربه موفقی را حاصل کرد.

وی در کنار روزنامه‌نگاری در صدد ادامه تحصیل نیز بود و در محضر اساتید مختلفی تلمذ نموده و کتب ادبیات عرب، تفسیر، حدیث، منطق و فلسفه را آموخت و علاوه بر آن همراه با کار روزنامه‌نگاری به مطالعه علوم مختلف مشغول بود و دو کتاب بنام‌های "الجهاد فی الاسلام" و "دولت آصفیه و حکومت بریتانیا" را به نگارش در آورد. وی در سال ۱۹۲۸ شغل روزنامه‌نگاری رها کرده و به تألیف و تصنیف روی می‌آورد و در سال ۱۹۳۲ به انتشار نشریه‌ای تحت عنوان "ترجمان القرآن" مبادرت می‌ورزد که تا پایان عمر ناشر اندیشه‌های او بود.

سید ابوالاعلی مودودی به‌عنوان رهبر نهضت اسلامی همواره آماده پاسخ‌گویی به سؤالات و پرسش‌ها و زدودن شبهات نسبت به اسلام و معارف اسلامی بود. امام خمینی سید ابو الاعلی مودودی را به‌عنوان کسی معرفی کند که فکر اسلامی او، نهضت اسلامی را در تمام جهان برپا داشته و نه فقط برای پاکستان بلکه برای کل عالم اسلامی رهبری دینی بود. (تسخیری، ۱۳۸۲: ۱۷۱/۳۸) وی همزمان برای اثبات حقانیت نظام اسلامی به‌عنوان یک ایدئولوژی پویا و قابل اجرا، به توضیح و تفسیر زوایای متعدد نظام اسلامی متناسب با اندیشه‌های عصر، مبادرت ورزید.

مودودی در صدد توضیح مبانی اسلام و پاسخ به نیازهای زمان خویش بود لذا برای تحقق این هدف ده‌ها کتاب در موضوعات گوناگون به رشته تحریر درآورد. نوشته‌های مودودی نه فقط در پاکستان که در سراسر جهان منتشر شده و تا کنون به ۲۳ زبان زنده جهان ترجمه شده است که این نشان از تأثیر شگرف وی در بحث اندیشه‌های اسلامی دارد. قلم او چنان تأثیر عمیقی گذاشت که صدای بازگشت آن حتی از زبان مخالفان نیز شنیده می‌شد. (عراقچی، ۱۳۷۸: ۱۹/۷۳)

ابوالاعلی مودودی در سال ۱۹۲۹ میلادی اولین و مهم‌ترین اثر پژوهشی خود را تحت عنوان "الجهاد فی الاسلام" منتشر نمود. وی از نویسندگان پرکار در زمینه تألیف و تصنیف در عرصه اسلام‌پژوهی می‌باشد و توانست جایزه نخست جشنواره ادبیات اسلامی را دریافت کند (گیلانی، ۱۳۸۰: ۳۶۱).

### معرفی اجمالی تفسیر تفهیم القرآن

یکی از ارزشمندترین آثار علامه مودودی کتاب تفسیر تفهیم القرآن است که به چندین زبان زنده جهان نیز ترجمه شده است. وی همزمان با دعوت و تبلیغ برای اصلاح جامعه به تفسیر قرآن مجید می‌پرداخت و این تفسیر به صورت مقالاتی در ماهنامه قرآنی ترجمان القرآن به چاپ می‌رسید که سپس به صورت یک کتاب بنام تفهیم القرآن ارایه شد.

مولانا مودودی برای ارایه بهتر تفسیر، مسافرت‌هایی تحت عنوان جغرافیای قرآن انجام داد و طی آن به مناطقی که در قرآن ذکری از آنها مسافرت کرد و این مناطق را با دقت کامل بررسی و نقشه آن را تهیه کرد و پس بازگشت تفسیر را بر اساس مشاهدات و شواهد عینی خود، به نگارش درآورد.

وی در باره این مسافرت‌ها می‌نویسد: «در قرآن کریم جاهای متعدد از حوادث گوناگون و از مناطق مختلف سخن به میان آمده است و نیز در قرآن به این نکته اشاره شده که دوران نزول قرآن کریم مسلمانان چه وضعیتی داشتند و همچنین از امم گذشته صحبت شده است. برای فهمیدن این گونه مسایل لازم است خود انسان آن مقامات را و مناطق را از نزدیک ببیند و از نزدیک اطلاعات لازم را درباره آن مناطق به دست آورد به همین علت این مسافرت‌ها خیلی ثمر آور بوده اند و از آنها خیلی فواید بدست آمده است که شاهد عمده آن تفهیم القرآن است» (گیلانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸۰).

مودودی انگیزه خود از نگارش تفسیر تفهیم القرآن را دو نکته می‌داند: الف: احساس اینکه هنوز قشر تحصیل کرده جامعه تشنه روح قرآن و پی بردن به مدعای حقیقی آن هستند و باوجود زحمات مترجمین و مفسرین اما هنوز این تشنگی برطرف نشده است. ب: لزوم رفع این تشنگی و نیاز اقشار مختلف مردم بالخصوص قشر تحصیل کرده و دانشگاهی. در نتیجه وی قشر نسبتاً تحصیل کرده و نا آشنا با زبان عربی جامعه را هدف خود قرار می‌دهد. (مودودی، بی تا: ۵/۱)

سید ابوالاعلی مودودی در محرم سال ۱۳۶۱ ه ق مصادف با فوریه سال ۱۹۴۲ م، نگارش این کتاب را آغاز می‌کند و طی پنج سال این رویه تا سوره یوسف ادامه می‌یابد اما به دلایل مختلفی ادامه کار متوقف می‌شود تا اکتبر سال ۱۹۴۸ م که وی به دلایل سیاسی به زندان برده می‌شود. ابوالاعلی مودودی از این فرصت استفاده کرده و کار نگارش تفسیر را ادامه می‌دهد. اما در ادامه به دلایل گوناگونی از جمله فعالیتهای سیاسی و علمی دیگر، کار نگارش به‌کندی پیش می‌رود تا سرانجام بعد از سی و سال و اندی در تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی سال ۱۳۹۲ ه ق مصادف با ۷ ژوئن سال ۱۹۷۲ م، نگارش تفسیر به اتمام می‌رسد. (مودودی، بی تا: ۱/۱۲؛ ۶/۵۷۵).



## بررسی آیه مودت در تفسیر تفهیم القرآن

مودودی معتقد است سوره شوری بعد از سوره حم سجده نازل شده است و در حقیقت قائل به مکی بودن سوره شوری می‌باشد. (مودودی، بی تا: ۴ / ۴۷۴)

در ذیل آیه شریفه مودت ایشان مورد اختلاف و نزاع مفسران را واژه «قربی» دانسته و اقوال پیرامون آن را متذکر می‌شود و مفسران را به سه گروه تقسیم می‌کند (ر.ک: همان / ۵۰۱):

گروه اول کسانی که «قربی» را به معنای خویشاوندی می‌دانند و معنای آیه این خواهد بود که من برای این کار از شما اجری نمی‌خواهم اما این را حتماً می‌خواهم که شما اهل قریش، خویشاوندی که میان من و شما هست را رعایت کنید و در مخالفت با من به دیگر اهل عرب همراه و هم صدا نباشید.

مودودی این قول و تفسیر را بنا بر نقل احمد حنبل، بخاری، مسلم، سنن ترمذی، ابن جریر، طبرانی، بیهقی و ابن سعد و دیگران به ابن عباس منتسب می‌کند.

گروه دوم کسانی که «قربی» را به معنای قرب و تقرب به خدا تفسیر کرده‌اند یعنی پیامبر <sup>۶</sup> خواهان به وجود آمدن خواست تقرب و نزدیکی به خدا در میان مردم شده است که این قول را مودودی به حسن بصری و یکی از اقوال قتاده و به نقل از طبرانی، به ابن عباس منتسب می‌کند.

گروه سوم از مفسران کسانی هستند که «قربی» را به معنای خویشاوندان و نزدیکان پیامبر <sup>۶</sup> ذکر کرده‌اند یعنی پیامبر اجرا رسالت را مودت به اقارب خود <sup>۶</sup> قرار داده است.

مودودی به این نکته اشاره دارد که گروه سوم خود بر دو دسته شده و عده‌ای مراد از اقارب را همه بنی عبدالمطلب می‌دانند و عده‌ای دیگر اقارب را به حضرت علی و حضرت زهرا و اولاد ایشان علیهم‌السلام محدود می‌کنند.

#### نقد مودودی بر گروه سوم:

مودودی بعد از نقل نظریه گروه سوم (که «قربی» را به معنای اقارب و خویشاوندان پیامبر <sup>6</sup> تفسیر کرده و خود دو دسته شده بودند عده‌ای همه بنی عبدالمطلب را شامل کرده و عده‌ای نیز فقط حضرت علی و حضرت زهرا و اولاد طاهرین ایشان علیهم‌السلام را شامل قربی می‌دانستند) به نقد آن پرداخته و اشکالات ذیل را مطرح می‌کند:

۱. از آنجای که این سوره مکی است در مکه هنوز حضرت علی <sup>7</sup> و حضرت زهرا <sup>3</sup> هنوز ازدواج نکرده بودند چه رسد به اینکه فرزند داشته باشند؛ و از طرفی بنی عبدالمطلب همه یار و یاور پیامبر <sup>6</sup> نبودند بلکه بعضی از آنان به طور آشکارا همراه و یاور دشمنان پیامبر اکرم <sup>6</sup> بوده و دشمنی ابولهب با پیامبر <sup>6</sup> را همه می‌دانند.
۲. علاوه بر بنی عبدالمطلب پیامبر اکرم <sup>6</sup> به واسطه پدر و مادر بزرگوارشان و همچنین به واسطه همسر گرامی ایشان حضرت خدیجه <sup>3</sup>، در تمام خانه‌های قریش خویشاوندی داشتند و در همه خانه‌های قریش هم آن حضرت <sup>6</sup> بهترین صحابی را داشته و هم بدترین دشمن را. چگونه ممکن است پیامبر اکرم <sup>6</sup> میان این همه

خویشاوند و فامیل فقط بنی عبدالمطلب را خویشاوند خود بداند و مودت را مختص به آنان کند؟

۳. نقد سومی که مطرح می‌کند و آن را مهم‌تر از اشکالات قبل می‌داند این است که درخواست مودت برای خویشاوندان خود از طرف پیامبر ﷺ، با مقام و جایگاه و اخلاص پیامبر ﷺ سازگاری نداشته و هیچ ذوق سلیمی این را قبول نمی‌کند.

وی با توجه به آیات قرآن کریم به این نکته اشاره دارد که معیار صداقت پیامبران الهی اخلاص آنان بوده که در آیات گوناگونی به این امر اشاره شده است که پیامبران هیچ اجری را از مردم طلب ننمودند.

۴. در ضمن طرح اشکال سوم، مودودی نقد دیگری را نیز مطرح می‌کند به این مضمون که معمولاً هر کسی در مقابل کاری از کسی درخواست اجر و پاداش می‌کند که آن کس قدر آن کار را بداند. اما این سوره مکی است و خطاب به کفار و مشرکین می‌باشد و آنان کار پیامبر ﷺ را یعنی دعوت آن حضرت ﷺ و رسالت آن حضرت ﷺ را قبول نداشتند تا پیامبر اکرم ﷺ از آنان درخواست مودت نسبت به خویشاوندان خود کند بلکه آنان رسالت و دعوت پیامبر اعظم ﷺ را گناه و جرم دانسته و در پی جان آن حضرت بودند.

در نتیجه مودودی تفسیر سوم را رد کرده اما منتخب خود را از آن دو تفسیر

گذشته بیان نمی‌کند.

### نقد و بررسی دیدگاه ابوالاعلی مودودی

از آن جایی که ما اعتقاد داریم آیه مودت در شأن اهل بیت علیهم السلام یعنی حضرت امام علی و حضرت زهرا و اولاد طاهرینشان علیهم السلام می‌باشد، اشکالاتی که وی در این باب مطرح کرده است را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

#### مکی یا مدنی بودن آیه مودت:

مفسران شیعه و اهل سنت بالاتفاق اصل سوره شوری را مدنی می‌دانند اما در بعضی از آیات آن اختلاف است که علماء شیعه آیه مودت را مدنی می‌دانند و بعضی از علماء اهل سنت نیز آن را مدنی گفته‌اند که در ادامه به سبب نزول آیه مودت که در روایات فریقین به آن اشاره شده است پرداخته می‌شود:

**الف: کمک مالی انصار به پیامبر اکرم <sup>ص</sup>:**

در روایات و تفاسیر فریقین به این نکته اشاره شده است که بعد از آمدن پیامبر اعظم <sup>ص</sup> به مدینه منوره و بنیان نهادن پایه‌های حکومت اسلامی، انصار تشکیل جلسه داده و در آن به تصویب رسید که به پیامبر اکرم <sup>ص</sup> کمک مالی انجام دهند. البته این روایات در جزئیاتی باهم اختلاف دارند اما اصل کمک مالی انصار به پیامبر اکرم <sup>ص</sup> را ثابت می‌کنند. در جواب درخواست انصار جهت کمک به پیامبر اکرم <sup>ص</sup> آیه شریفه مودت نازل می‌شود و جواب آنان را می‌دهد.

از کسانی که این شأن نزول را در کتب خود ذکر کرده‌اند می‌توان به افراد ذیل

اشاره کرد:

واحدی (واحدی، ۱۴۱۱: ۳۸۹)، ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶۴/۴)، حسکانی (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۷/۲)، ابو حیان اندلسی (اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۹)، رشیدالدین میبیدی (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۲/۹)، رازی (رازی، ۱۴۲۰: ۹۴/۲۷)، نظام‌الدین نیشابوری

(نیشابوری، ۱۴۱۶: ۷۴/۶)، قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲/۱۶)، ابن عطیه اندلسی (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۴/۵)، بغدادی (بغدادی، ۱۴۱۵: ۹۸/۴)، بغوی (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۴۴/۴)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۱/۴)، ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۰/۸)، سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۶)، شوکانی (شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۱۲/۴)، آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۸/۱۳)، ملاحویش آل غازی (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۳۷/۴)، دروزه (دروزه، ۱۳۸۳: ۴/۴)، تمیمی (تمیمی، ۱۳۸۵: ۶۸/۱)، قمی (قمی، ۱۳۶۷: ۲۷۵/۲)، شیخ صدوق (قمی، ۱۳۷۸: ۲۳۵/۱)، طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴/۹)، فتال نیشابوری (نیشابوری، بی تا: ۲۶۸/۲)، عمادالدین طبری (طبری، ۱۳۸۳: ۲۳۲)، جرجانی (جرجانی، ۱۳۷۷: ۲۲/۹)، سید هاشم بحرانی (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۰۳/۵)، ابوحمزه ثمالی (ثمالی، ۱۴۲۰: ۲۹۴)، فرات کوفی (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۸۸)، ابو الفتوح رازی (رازی، ۱۴۰۸: ۱۲۱/۱۷)، ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۱۰: ۶۰/۲)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۷۵/۴)، علامه مجلسی (مجلسی، بی تا: ۲۳۵/۹)، ملا فتح الله کاشانی (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۱۷/۶)، قمی مشهدی (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵۰۴/۱۱)، علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۲/۱۸).

#### ب: مفاخره انصار:

سبب نزول دیگری که برای آیه شریفه مودت نقل شده این است که روزی انصار بر مهاجرین مفاخره کرده و خدمات خود را نسبت به پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> بر می شمردند که این خبر به پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> می رسد و آن حضرت <sup>ﷺ</sup> در جمع ایشان تشریف آورده و خطاب به آنان می فرماید:

ای گروه انصار آیا شما ذلیل نبودید و خدا شما را به وسیله من عزیز ساخت؟

گفتند: بله یا رسول الله.

حضرت <sup>6</sup> فرمود: آیا شما گمراه نبودید و خدا شما را به وسیله من هدایت فرمود؟

گفتند: بله یا رسول الله.

حضرت <sup>6</sup> فرمود پس چرا جواب مرا نمی دهید؟

گفتند: چه بگوییم یا رسول الله؟

حضرت <sup>6</sup> فرمود: بگوئید: آیا قومت شما را اخراج نکرد و ما شما را پناه دادیم؟ آیا قومت شما را تکذیب نکرد و ما شما را تصدیق کردیم؟ مگر قومت شما را ذلیل نکرد و ما شما را یاری کردیم؟

و پیامبر اکرم <sup>6</sup> همین گونه ادامه دادند تا اینکه انصار زانو زده و گفتند: اموال ما و هر چه که داریم از آن خدا و رسولش است که در این هنگام آیه شریفه مودت نازل شد.

از کسانی که این شأن نزول را نقل کرده اند می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

طبری (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۵)، ثعلبی نیشابوری (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۸)، ابو حیان اندلسی (اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۹-۳۳۵)، ابن کثیر دمشقی (دمشقی، ۱۴۱۹: ۱۸۴/۷)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۰/۴)، سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۶)، ابن ابی حاتم رازی (رازی، ۱۴۱۹: ۳۲۷/۱۰)، شوکانی (شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۱۵/۴)، مراغی (مراغی، بی تا: ۳۹/۲۵)، ملا فتح الله کاشانی (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۱۶/۶).

همان گونه که مشاهده می شود این دو سبب نزول هم در کتب شیعی و هم در کتب اهل سنت نقل شده است که بر اساس آن ثابت می شود آیه شریفه مودت مدنی است نه مکی.

البته سبب نزول دیگری نیز در کتب اهل سنت نقل شده است که بر اساس آن این آیه مکی خواهد بود که به آن اشاره می‌کنیم:

در برخی از کتب تفسیری اهل سنت گفته شده است که مشرکان اهل مکه جلسه‌ای تشکیل داده و گفتند پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> برای ادای رسالت از مردم مزد می‌خواهد و در مقابل آن چه مطرح می‌کند طلب اجر می‌کند که این آیه نازل شده و جواب آنان را داد؛ و هم چنین گفته‌اند که مشرکان مکه قصد اذیت پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> را داشته که این آیه نازل شده و از آنان خواست اگر دین پیامبر <sup>ﷺ</sup> را قبول نمی‌کنند حداقل او اذیت نکرده و نسبت به خویشاوندی و فامیلی خود با پیامبر <sup>ﷺ</sup> پایبند باشند.

برخی از مفسران اهل سنت این سبب نزول را نقل و قبول کرده و در نتیجه آیه مودت را مکی می‌دانند و «قربی» را نیز به خویشاوندی مابین پیامبر <sup>ﷺ</sup> و قریش تفسیر می‌کنند و با توجه به مکی بودن سوره، این سبب نزول را موافق با آیه و سوره می‌دانند (ر.ک: دمشقی، ۱۴۱۹: ۱۸۳/۷؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۳/۵؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۴۴/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶۴/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۶).

اما باید گفت با توجه به روایات فراوانی که در ذیل این آیه شریفه مطرح شده است و دو شأن نزول دیگری که در کتب متعدد به آن اشاره شده است، این آیه شریفه مدنی است و نه مکی که برخی از مفسران اهل سنت به این امر تصریح می‌نمایند و به نقل از ابن عباس همه سوره را مکی دانسته مگر چهار آیه آن را از جمله آیه مودت و به نقل از مقاتل آیه مودت را مدنی می‌دانند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰: ۲۰۸/۴؛ ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶: ۲۴۴/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶۵/۶؛ ملا حویث آل غازی، ۱۳۸۲: ۲۶/۴؛ مراغی، بی تا: ۱۳/۲۵).

### مصادیق القربی

در این که مصادیق القربی چه کسانی می‌باشند میان مفسرین و بالخصوص میان مفسرین اهل سنت و شیعه، اختلاف نظر وجود دارد و در این باب وجوه مختلفی ذکر شده است اما علماء و مفسران شیعه بالاجماع می‌گویند که مصداق «قربی» در این آیه شریفه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده و پیامبر اکرم <sup>6</sup> در این آیه شریفه مودت اهل بیت را درخواست فرموده است و در این باب روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام در منابع شیعی نقل شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قَالَ هُمُ الْأَثَمَةُ ع (ر.ک: کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۴۱۳/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۸۸۴/۳؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱۴۵/۱).

۲. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ ... ثُمَّ قَالَ مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا لِأَقْرَبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ ع (ر.ک: کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۹۳/۸؛ حمیری، بی تا: ۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۷/۱۶).

۳. عن ديلم بن عمر قال كنت بالشام حتى أتى بسبایا آل محمد ص فأقيموا علی باب المسجد حيث تقام السبایا و فيهم علی بن الحسين فأتاهم شيخ من أشياخ أهل الشام فقال الحمد لله الذي قتلکم و أهلکم و قطع قرون الفتنة فلم يأل عن سبهم و شتمهم فلما انقضى كلامه قال له علی بن الحسين ع إني قد أنصت لك حتى فرغت من منطقتك و أظهرت ما في نفسك من العداوة و البغضاء فأنصت لي كما



أَنْصَتَ لَكَ فَقَالَ لَهُ هَاتِ مَا قَرَأْتَ عَلَى عِزٍّ أَمْ قَرَأْتَ كِتَابَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ عِزٌّ أَمْ قَرَأْتَ فِي الْآيَةِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قَالَ بَلَى فَقَالَ عِزٌّ نَحْنُ أَوْلَئِكَ... (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۱۹/۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۶/۲؛ قمی، ۱۳۶۲: ۱۶۵).

۴. عن ابن عباس قال لما أنزل الله قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَمَرْنَا اللَّهَ بِمُودَتِهِمْ قَالَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَوَلَدُهُمَا (ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۸۹-۳۹۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۳۵۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۳۱).

در روایات فوق به صراحت اشاره شده است که مصادیق قربی همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یعنی حضرت امام علی و حضرت زهرا و اولاد طاهرین ایشان علیهم السلام می باشد.

اما در تفاسیر اهل سنت مصادیق و تفاسیر مختلفی برای «القربی» بیان شده است که باز هم می توان گفت طبق گفته آنان نیز اهل بیت عصمت و طهارت داخل در القربی می شوند اما آنان دایره را وسیع تر کرده به دیگران نیز سرایت و گسترش می دهند. در ذیل به روایاتی از اهل سنت که اشاره دارد به نزول آیه مودت فقط در شأن اهل بیت علیهم السلام اشاره می شود:

۱. عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس، قال: لما نزلت قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ قَرَابَتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ مُودَتُهُمْ؟ قال: علي و فاطمة و ولداها (ر.ک: رازی (ابن ابی حاتم)، ۱۴۱۹: ۳۲۶/۱۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۸۹/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۰/۴) البته بجای ولداها کلمه ابناهما دارد؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۴/۵؛ رازی، ۱۴۲۰:

۵۹۵/۲۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۱/۱۶-۲۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۷۴/۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۰/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱/۱۳).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود روایت فوق که منابع زیادی از اهل سنت آن را نقل کرده و عده‌ای به صحت این حدیث تصریح کرده‌اند (شافعی، ۱۴۱۹: ۵۲)، به صراحت قریبی را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است. حسانانی این روایت را به هشت طریق نقل می‌کند.

۲. قال السدی عن أبی الدیلم قال: لما جیء بعلی بن الحسین رضی اللّٰه عنه أسیرا فأقیم علی درج دمشق قام رجل من أهل الشام فقال الحمد لله الذی قتلکم و استأصلکم و قطع قرنی الفتنة «۳» فقال له علی بن الحسین رضی اللّٰه عنه: أقرأت القرآن؟ قال: نعم، قال: أقرأت آل حم؟ قال: قرأت القرآن و لم أقرأ آل حم، قال: ما قرأت قل لا أسئلكم علیه أجرأ إلی المودّة فی القربی قال: و إنکم لأنتم هم؟ قال: نعم (ر.ک: دمشق، ۱۴۱۹: ۱۸۳/۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۲/۱۳؛ حسانانی، ۱۴۱۱: ۲۰۶/۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱۱/۸).

در این باب به ذکر همین دو روایت اکتفا می‌کنیم که جهت اثبات مدعای ما کفایت می‌کند. بعضی از مفسران اهل سنت ذیل آیه مودت سخنان بسیار زیبایی در شأن اهل بیت علیهم السلام و وجوب مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام نوشته‌اند که خود آن نوشته‌ها گویای شأن اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که ما در ذیل فقط به کلام فخر رازی در این باره اشاره می‌کنیم.

فخر رازی بعد از نقل روایت «عن النبی صلی اللّٰه علیه و سلّم أنه قال: «من مات علی حب آل محمد / مات شهیدا ألا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له، ألا و من مات علی

حب آل محمد مات تائباً، ألا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الإیمان، ألا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر و نکیر، ألا و من مات علی حب آل محمد یزف إلى الجنة كما تزف العروس إلى بیت زوجها، ألا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان إلى الجنة، ألا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة، ألا و من مات علی حب آل محمد مات علی السنة و الجماعة، ألا و من مات علی بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوباً بین عینیہ آیس من رحمة الله، ألا و من مات علی بغض آل محمد مات كافراً، ألا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة» به این نکته اشاره می‌کند که ارتباط بین پیامبر اکرم <sup>ک</sup> و حضرت فاطمه و حضرت امام علی و حضرت حسنین علیهم السلام به نقل متواتر از مستحکم‌ترین ارتباطات و تعلقات بوده پس باید که اینان آل باشند و یقیناً در هر صورتی این چهار بزرگوار آل و از اقارب پیامبر <sup>ک</sup> حساب می‌شوند اما اینکه دیگران داخل در اقارب و آل پیامبر <sup>ک</sup> می‌شوند اختلاف است، حال که این ثابت شد، واجب است آنان به صورت خاص و ویژه مورد احترام و تعظیم باشند که در ادامه ادله این امر را ذکر کرده و اشاره می‌کند که به نقل متواتر ثابت شده است پیامبر <sup>ک</sup> حضرت زهرا، حضرت علی و حضرت حسنین علیهم السلام را دوست داشتند، به دلیل آیات «اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تُهْتَدُونَ» (اعراف/۱۵۸) و «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» (نور/۶۳) و «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/۳۱) و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) بر همه امت واجب است مثل پیامبر <sup>ک</sup> عمل کرده و آنان را دوست داشته باشند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۵/۲۷).

در ادامه نیز اشاره دارد که دعا برای آل پیامبر <sup>ک</sup>، یک منصب و مقام عظیمی است و به همین جهت خداوند دعا برای آل را خاتمه تشهد آخر نماز قرار داده است

همان جایی که می خوانیم اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد. پس با این دلایل حب آل محمد <sup>۶</sup> واجب است و در ادامه نیز به اشعار محمد بن ادریس شافعی اشاره دارد:

یا راکبا قف بالمحصب من منی	و اهتف بساکن خیفها و الناهض
سحرا إذا فاض الحجیح إلى منی	فیضا كما نظم الفرات الفاض
إن کان رفضا حب آل محمد	فلیشهد الثقلان أنی رافضی

ای سواره در شنزار منی (که معروف به خیف بنی کنانه است) بایست و همه حاجیان را، چه آنکه در [مسجد] خیف منی نشسته یا به نماز ایستاده، ندا بده به سحرگاه هنگامی که سیل موج حاجیان از مشعر سرازیر منی می گردد و بسان فرات موج و پرتلاطمی بر سر هم می ریزند [به آواز بلند به همگان بگو اگر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله رافضی بودن است، چه باک، جن و انس شاهد باشند که همانا رافضی هستم (ر.ک: همان)].

این عبارات و نوشته‌ها، گویای جایگاه عظیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد و دیگر نیازی به این نیست که ما شیعیان این جایگاه را تبیین کنیم هنگامی که خود اهل سنت به آن معترف باشند اما متأسفانه در عمل این گونه نمی شود و آن طور که باید جایگاه اهل بیت در جوامع اسلامی از سوی علماء اهل سنت بیان نمی شود بلکه چه بسا علیه اهل بیت علیهم السلام نیز فعالیت صورت می گیرد

مفسران اهل سنت در بیان شأن نزول این آیه به چهار گروه تقسیم شده اند:

### جواب اشکالات مودودی

همان‌گونه که گذشت، مودودی مفسرین را در توضیح معنای «القربی» به سه گروه تقسیم می‌کند که گروه سوم القربی را به معنای اقارب و خویشاوندان پیامبر<sup>6</sup>، تفسیر و معنا می‌کند و مودودی بر این دیدگاه و نظر سوم اشکالات چهارگانه‌ای را مطرح می‌کند که با توجه به اشکالاتی که وی بر این دیدگاه مطرح می‌کند به نظر می‌رسد با آن دو دیدگاه دیگر بیشتر موافق هست. لذا در ابتدا به اشکالات وی جواب داده می‌شود و سپس آن دو دیدگاه نیز به طور مختصر نقد خواهند شد.

### جواب اشکال اول:

مودودی در نقد اول خود به این نکته اشاره می‌کند که این سوره مکی است و نمی‌تواند در شأن حضرت علی و حضرت زهرا و فرزندان آن حضرت نازل شده باشد چرا که این بزرگواران هنوز ازدواج هم نکرده بودند.

در جواب باید گفت:

۱. در مباحث قبلی بحث شد که آیا این آیه مکی است یا مدنی و به اثبات رسید که این آیه مدنی است که بزرگان اهل سنت نیز به این امر معترف- اند. لذا این اشکال قابل قبول نیست و مدنی بودن سوره یا حداقل آیه مودت ثابت است.

۲. اگر هم گفته شود سوره شوری و آیه مودت مکی است باز هم حداقل دو تن از آل کساء در مکه حضور داشتند و این امر برای صدق آیه بر آنان کفایت می‌کند و با توجه به روایاتی که داریم می‌توانیم آن را شامل دیگر ائمه هدی<sup>علیهم‌السلام</sup> نیز بدانیم.

۳. علاوه بر این همان‌گونه که شخص مودودی در ادامه اشکال به این نکته اشاره دارد که همه بنی عبدالمطلب همراه و یار و یاور پیامبر <sup>ﷺ</sup> نبوده و به ایشان ایمان نیاورده بودند بلکه کسانی مثل ابو لهب از دشمنان سرسخت آن حضرت بودند، این امر مؤید دیدگاه شیعه هست که پس باید درخواست مودت برای گروه خاصی از اقارب باشد نه همه چرا که همه لیاقت و شأنیت برای مودت را ندارند و در نتیجه پیامبر <sup>ﷺ</sup> این گروه خاص از اهل بیت را که دارای ویژگی خاصی هستند به واسطه روایات متعدد برای ما مشخص فرموده است که آنان کسانی نیستند جز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

۴. سیاق آیه نیز بر این امر دلالت دارد که مخاطب آیه مؤمنین هستند نه کفار چرا که در آیه قبل از مؤمنین و پاداش آنان سخن به میان آمده است و در این آیه شریفه کانه به سؤال مؤمنین جواب داده شده است که آیا در مقابل این نعمات و پاداش‌ها اجر و عوضی هم بدهیم که خداوند می‌فرماید هیچ اجری نمی‌خواهد جز مودت اهل بیت علیهم السلام و در ادامه نیز راه کسب ثواب بیشتر را نشان داده می‌فرماید: **وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ** (شوری/۲۳).

۵. نکته دیگری که می‌توان در این باب اشاره کرد این است که همان‌گونه که خود مودودی به آن اشاره کرده است، اجر باید از کسانی خواسته شود که قدر آن کار را بدانند. حال اگر آیه مودت را مکی بدانیم و مخاطبین آن را قریش و مشرکین، با نکته‌ای که گفته شد سازگاری ندارد چرا که کفار قریش اصلاً رسالت پیامبر <sup>ﷺ</sup> را اصلاً قبول نداشته تا اجر

آن را پرداخت کند و این خود مؤید این مطلب است که این آیه مکی و خطاب به مشرکین نیست بلکه مدنی و خطاب به مؤمنین می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت آیه شریفه مودت مدنی بوده و فقط شامل اهل بیت اطهار علیهم‌السلام می‌باشد.

### جواب اشکال دوم:

در اشکال دوم مودودی می‌گوید: با اینکه همه قریش فامیل آن حضرت <sup>ﷺ</sup> بودند چگونه ممکن است ایشان فقط بنی عبدالمطلب را مطرح فرمایند. اگرچه این اشکال مستقیماً به دیدگاه و نظر شیعیان وارد نشده است اما با توجه به اینکه ممکن است همین سؤال برای مخاطب نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام نیز به مطرح شود در پاسخ می‌گوییم:

مطرح نمودن یک گروه یا یک نفر خاصی از میان تعداد فراوان در صورتی کار قبیحی خواهد بود که ترجیح بلا مرجح باشد و بدون هیچ دلیلی یک فرد خاصی بر دیگران ترجیح داده شود اما اگر این امر از روی دلیل باشد به هیچ وجه کار قبیح و نادرستی نخواهد بود بلکه کار درست و صحیح همان است.

خداوند متعال هم در بندگان خود بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است و آیات قرآن بر این امر تأکید دارد که بعضی بر بعضی دیگر برتری داده شده‌اند نه فقط میان بندگان عادی که میان پیامبران نیز برخی بر برخی دیگر برتری داده شده‌اند: **تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ** (بقره/۲۵۳). بی تردید خداوند حکیم کار قبیح و لغوی انجام نمی‌دهد.

پس اشکالی ندارد که پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> برخی از خویشاوندان و نزدیکان خود را بر برخی دیگر مقدم داشته و مودت و محبت آنان را از مؤمن درخواست فرماید

بالخصوص اینکه این خویشاوندان جایگاهی بس والا نزد خداوند داشته و خداوند آنان را منتخب فرموده باشد.

در روایات متعددی، پیامبر اعظم <sup>ﷺ</sup> به صورت متواتر اهل بیت عصمت و طهارت را از دیگر اقارب و خویشاوندان خود جدا می‌کند و جایگاه خاص آنان را تبیین می‌کند.

#### جواب اشکال سوم:

مودودی در اشکال سوم به این نکته اشاره می‌کند که با توجه به آیات شریفه، پیامبر <sup>ﷺ</sup> درخواست اجر نمی‌کند و اینکه پیامبر <sup>ﷺ</sup> در قبال رسالت برای خویشاوندان خود درخواست محبت و دوستی کند با مقام رسالت سازگاری ندارد و ذوق سلیم این نکته را نمی‌پذیرد و بر اساس آیه ۲۱ سوره یس که می‌فرماید: **اتَّبِعُوا مَنْ لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ**، معیار صداقت پیامبر <sup>ﷺ</sup> در رسالت خود، نخواستن هر گونه اجرتی در قبال رسالت است. پس چگونه ممکن است پیامبر <sup>ﷺ</sup> اجر رسالت خود را محبت به خویشاوندان خود قرار دهد.

در جواب باید گفت:

۱. برای فهم و تفسیر کلام متکلم باید همه اقوال او را در کنار هم دید و

بعد آن را توضیح و تبیین نمود و در باب آیات دال بر اجر رسالت نیز

باید همین عمل را انجام داد چرا که ما درباره اجر پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> سه

گونه آیات داریم:

الف: آیاتی که نافی درخواست اجر است.

ب: آیاتی که درخواست اجر را ثابت می‌کند اما اجری که در حقیقت برای مردم

است.



ج: آیاتی که در آن درخواست اجر شده است.

می‌توان این آیات را باهم جمع کرد و گفت آیاتی که نفی می‌کنند در حقیقت اجر مادی و دنیوی را نفی می‌کنند که پیامبران از ابتدا دنبال آن نبودند اما اجری که پیامبر <sup>6</sup> در آیات خواسته، اجری است که در راستای تحقق هدف یعنی رسیدن به کمال و انجام وظیفه رسالت درخواست شده است و این منافاتی با آیات نافی اجر دنیوی و مادی ندارد و طبق آیه شریفه قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا (فرقان/۵۷) که اکثر مفسران و مترجمان آن را این‌گونه ترجمه و تفسیر می‌کنند که پیامبر <sup>6</sup> اجری نمی‌خواهد مگر پیروی از راه خدا، می‌توان با قطع گفت یکی از این راه‌ها همان مودت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است بلکه اصل راه خدا همین است چرا که باید فرد مؤمن تمام اعمال و معارف خود را از معصوم اخذ کند که پیامبر <sup>6</sup> آن افراد را همین اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌فرماید پس اگر شخص می‌خواهد به معارف حقیقی دست پیدا کند باید دست به دامان اهل بیت علیهم السلام شود.

۲. از طرفی طبق آیه شریفه قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (نساء/۴۷)، این اجری هم که در آیات خواسته شده است در حقیقت اجر و مزدی برای خود پیامبر <sup>6</sup> نیست بلکه این اجر و مزد نیز به خود مردم بر می‌گردد فکانه پیامبر <sup>6</sup> برای خود طلب اجر نکرده است.

۳. از سوی دیگر می‌توان گفت، با توجه به اینکه عده‌ای از مفسرین (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۰/۵؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۳۵/۹؛ عکبری، بی تا: ۳۴۰؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶: ۴۸۹؛ حقی بروسوی، بی تا: ۳۱۱/۸؛ صافی، ۱۴۱۸: ۳۶/۲۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۵/۲۷؛ مفید، ۱۴۲۴:

۴۷۶؛ مغنیه، بی تا: ۶۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳/۹-۴۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۱۷/۸؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۲۲/۱۷) استثناء در آیه شریفه را استثناء منقطع گرفته‌اند یا منقطع بودن را هم قبول دارند، می‌توان گفت پیامبر <sup>ﷺ</sup> طلب اجر نکرده است بلکه به طور مستقل، به مودت نسبت به اهل بیت امر فرموده است و اوامر پیامبر <sup>ﷺ</sup> در راستای رسیدن بشر به تکامل است نه جهت نفع شخصی.

۴. علاوه بر جواب‌های که داده شده نگارنده معتقد است در آیه ۵۷ سوره فرقان که می‌فرماید: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا که مشهور آن را این‌گونه ترجمه و تفسیر می‌کنند که پیامبر <sup>ﷺ</sup> از مؤمنان می‌خواهد به‌سوی خدا راهی را اخذ کنند و در واقع اجر من همان هدایت شماست، اگر در این آیه شریفه «من» را استثناء از «کم» بدانیم در این صورت می‌توانیم به این نحو معنا کنیم که من از شما بر رسالت اجری نمی‌خواهم مگر از کسانی که بخواهند به‌سوی خدا راهی را اتخاذ نمایند یعنی در حقیقت از کسانی طلب اجر خواهم کرد که ایمان آورده باشند نه از کفار.

با این توضیح می‌توان گفت در آیه شریفه مودت هم از مؤمنان درخواست و طلب اجر شده است پس این دو آیه شریفه هیچ تناقضی و تنافی از باب مفاهیم نخواهند داشت.

۵. بالفرض هم بگوییم پیامبر <sup>ﷺ</sup> برای نفع خود طلب مودت کرده است در این صورت نیز طبق آیات شریفه وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ

یُوحَىٰ (نجم/۳-۴) این درخواست به دستور الهی بوده است پس باز هم بر پیامبر اکرم<sup>۷</sup> اشکالی وارد نخواهد شد.

#### جواب اشکال چهارم:

در اشکال چهارم مودودی به این نکته اشاره می کند که باید مطالبه اجر با مخاطبان یکسان باشد و از کسانی طلب اجر بشود که اجر و ارزش کار انجام شده را بدانند و با توجه به اینکه این آیه مکی است پس نمی توان از کفار مکه مودت و محبت نسبت به خویشاوند را درخواست کرد.

در جواب باید گفت که این اشکال در حقیقت مؤید قول ما بوده و ثابت می کند که آیه مکی نیست بلکه مدنی می باشد و مخاطب آن مؤمنین هستند و لذا پیامبر<sup>۶</sup> از آنان طلب مودت اهل بیت علیهم السلام می فرماید.

#### رد دو قول دیگر:

همان طور که گفته شد مودودی سه قول را در معنای قربی ذکر می کند و به قول و نظر سوم اشکالات و نقدهایی وارد کرده آن را رد می کند که جواب اشکالات و نقدهای وی داده شد.

در اینجا لازم است آن دو قول دیگر نیز به صورت مختصر مورد نقد و بررسی قرار گیرند:

#### قول اول:

در قول اول، «قربی» به معنای قرابت و خویشاوندی گرفته شده بود و معنای آیه را این گونه می گفتند که من از شما اجری نمی خواهم اما به دلیل خویشاوندی و فامیلی که باهم داریم شما رعایت مرا بکنید و با بقیه عرب همراه نشوید.

در رد این قول باید گفت:

۱. این قول در صورتی صحیح است که ما آیه مودت را مکی بدانیم اما در مباحث پیشین به طور واضح بیان شد که آیه مودت مدنی است نه مکی.

۲. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد بین سائل و مسئول باید تناسب باشد و شخص حکیم از کسی طلب اجر نمی‌کند که کار او را قبول نداشته باشد آن وقت چگونه می‌توان گفت پیامبر <sup>ﷺ</sup> از مشرکان مکه در عوض رسالتی که آنان قبول ندارند درخواست اجر می‌کند؟! علاوه بر این با توجه به دشمنی قریش با پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> دیگر جایی نمی‌ماند تا پیامبر <sup>ﷺ</sup> از آنان درخواست اجر کنند و حال آنکه آنان هیچ ارزشی برای رسالت حضرت <sup>ﷺ</sup> قائل نبوده و همیشه در صدد جلوگیری از فعالیت های پیامبر اکرم <sup>ﷺ</sup> بودند.

۳. نکته‌ای که باید در این باب باید به آن دقت داشت این است که در فراز آخر آیه خداوند متعال می‌فرماید: **وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ** (شوری/۲۳) و هر کس نیکی را بدست آورد، برای او در آن نیکی می‌افزاییم برآستی که خدا بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است.

طبق این فراز از آیه کسانی که نیکی به‌دست آورند خداوند بر نیکی و حسنه آنها خواهد افزود.

در روایات اسلامی و کتب فریقین نقل شده است که مراد از حسنه همان مودت آل رسول و اهل بیت آن حضرت <sup>ﷺ</sup> می‌باشد (ر.ک.: اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۳۵/۹؛ عثمانی، ۱۴۱۲: ۳۲۱/۸؛ حقی بروسوی، بی تا: ۳۱۳/۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۴/۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴:

۷/۶: آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴/۱۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۱۲/۲؛ رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۶/۲۷؛ حبری، ۱۴۰۸: ۵۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۲۰/۴-۸۲۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۳/۴.

از سوی دیگر خداوند متعال می‌فرماید و لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء/۸۲) و طبق آیات قرآن کریم شرک هم که ظلم عظیم است (لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ. لقمان/۱۳) پس به نظر می‌رسد می‌توان نتیجه گرفت که مخاطب این آیه نمی‌تواند مشرکان و کافران مکه باشند چرا که در این آیه شریفه وعده افزونی داده شده و اگر طبق تفسیری که برای قریش گفته شد به‌صرف عدم دشمنی با پیامبر <sup>ﷺ</sup> خداوند بخواهد به حسنات آنان اضافه فرماید با دیگر آیات قرآن در تناقض است در نتیجه باید گفت مخاطب این آیه شریفه مؤمنین بوده‌اند نه کفار.

#### قول دوم:

قول دومی را که مودودی مطرح کرده است، «قربی» را به معنای قرب و تقرب الهی اخذ می‌کند و آیه را این‌گونه معنا و تفسیر می‌کند که پیامبر <sup>ﷺ</sup> از شما برای رسالت اجری نمی‌خواهد مگر اینکه در میان شما خواست و محبت به تقرب الهی پیدا شود.

در جواب این امر باید گفت:

۱. طبق قول لغویین واژه «قربی» به معنای خویشاوندی و نزدیکی در نسب

می‌باشد (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۶۵/۱؛ فیومی، بی تا: ۴۹۵/۲؛ ابن

سیده، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۶؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۲۹۵/۵) نه به معنای تقرب الهی.

۲. واژه «قربی» در قرآن کریم شانزده بار به‌کار رفته است از جمله در همین

آیه شریفه که در ۱۵ مورد دیگر (بقره/۸۳، ۱۷۷؛ نساء/۸، ۳۶؛

مائده/۱۰۶؛ انعام/۱۵۲؛ انفال/۴۱؛ توبه/۱۱۳؛ نحل/۹۰؛ اسراء/۲۶؛

نور/۲۲؛ روم/ ۳۸؛ فاطر/ ۱۸؛ حشر/۷) به معنای خویشاوند و اقارب بوده است که این امر می تواند مؤید استعمال آن در همان معنای خویشاوند باشد نه تقرب الهی.

۳. اگر قرار باشد چیزی اجر رسالت قرار گیرد، باید چیزی باشد که متناسب با این امر باشد تا اجر آن ادا شود و شخص حکیم این تناسب را می فهمد و چیزی را که مناسب نباشد درخواست نمی کند.

صرف خواستن تقرب بدون عمل چه فایده ای می تواند داشته باشد. آنچه که مهم است عمل کردن به معارف الهی است تا تقرب الهی صورت گیرد و الا یک فرد تشنه با صرف دوست داشتن نوشیدن آب که سیراب نمی شود. پس اگر قرار باشد پیامبر<sup>6</sup> چیزی را درخواست کند، آن اجر و پاداش باید عمل کردن به معارف الهی باشد نه صرف دوست داشتن تقرب به سوی خدا.

پس معلوم می شود نمی توان قریبی را در این آیه به معانی تقرب گرفت. نکته ای دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که طبق آیه شریفه قرآن کریم که می فرماید: **وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى** (زمر/۳)، مشرکان نیز تقرب و نزدیکی به سوی خدا را قبول داشته و می خواستند به آن برسند. پس معنا ندارد که از آنان خواسته شود که شما تقرب به خدا را دوست داشته باشید و در حقیقت این تحصیل حاصل می شود که از یک فرد حکیم بسیار بعید است.

## نتیجه

برآیند تحقیق حاکی از آن است که سید ابوالاعلی مودودی در تفسیر آیه مودت سه دیدگاه را مطرح کرده است: الف: دیدگاهی که «قربی» را به معنای خویشاوندی می داند و بر این اساس پیامبر <sup>ص</sup> از قریش خواسته است رعایت خویشاوندی را کرده و علیه آنحضرت <sup>ص</sup> با دیگر قبایل همراه نشوند. ب: دیدگاهی که «قربی» را به معنای تقرب به خدا می داند و در نتیجه معنای آیه این است که پیامبر <sup>ص</sup> از قریش خواست به خدا تقرب پیدا کنند. ج: سومین دیدگاه معتقد است که «قربی» به معنای خویشاوندان حضرت است و در واقع پیامبر <sup>ص</sup> از مردم مودت نسبت به خویشاوندان را درخواست کرده است. مودودی هیچ یک از نظرات مطرح شده را به عنوان نظر پذیرفته شده مطرح نمی کند اما دیدگاه سوم را به چالش کشیده و به نقد آن می پردازد و ۴ اشکال بر آن وارد می کند از جمله ناسازگاری دیدگاه سوم با مکی بودن آیه مودت، همچنین عدم تناسب این دیدگاه با جایگاه رفیع پیامبر اکرم <sup>ص</sup> و موجه نبودن اختصاص عده‌ای از خویشاوندان نسبت به مودت داشتن به آنان.

اما در جواب به این اشکالات، طی نوشتار حاضر مشخص گردید بر اساس شأن نزول آیه شریفه که در کتب فریقین ذکر شده است، سوره شوری و حداقل آیه مودت مدنی است نه مکی و از سوی دیگر درخواست اجر از سوی پیامبر هیچ تنافی با جایگاه رفیع حضرت ندارد چرا که اولاً این اجر در راستای تکامل و به نفع مردم است و از سوی دیگر این خواسته براساس دستور خداوند سبحان مطرح شده است. همچنین مشخص گردید که اختصاص مودت به عده‌ای در صورتی مذموم است که ترجیح بلا مرجح باشد اما در ما نحن فیه اینگونه نیست. نیز مشخص شد دو دیدگاه دیگر در باب تفسیر آیه مودت که توسط مودودی مطرح شده بود دارای اشکالاتی از قبیل عدم تناسب با استعمال لغت و قرآن، عدم تناسب میان مخاطب و درخواست، تحصیل حاصل بودن و... است که در متن بدان اشاره شده است.

## منابع:

### قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت، شرکت دار الارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن سیده، علی ابن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، تحقیق عبدالحمید هندای، بیروت، دارالکتب العلمیه و منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، با مقدمه علامه شهرستانی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۹. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.



۱۱. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، تصحیح محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بغوی حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. تسخیری، محمد علی، «العلامه المودودی أمه فی رجل»، رساله التقرب، ۳۸، ص ۱۷۱-۱۸۲، تیر ۱۳۸۲.
۱۵. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۹. ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین و محمد هادی معرفت، بیروت، دار المفید، ۱۴۲۰ق
۲۰. جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش.
۲۱. حبری کوفی، حسین بن حکم، تفسیر الحبری، تحقیق سید محمد رضا حسینی، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق

۲۳. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق
۲۴. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق
۲۵. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا
۲۶. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنین، با تعلیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق
۲۷. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا، بی تا
۲۸. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الكتب العربیة، ۱۳۸۳ق
۲۹. دمشقی، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الكتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق
۳۰. رازی (ابن ابی حاتم)، عبد الرحمن بن محمد بن ادريس، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد الطیب، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق
۳۱. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق

۳۲. رازی، محمد بن عمر فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق
۳۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق
۳۴. سیوطی، جلال الدین، الدرر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق
۳۵. شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه بلاغ، ۱۴۱۹ق
۳۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق
۳۷. صافی، محمود بن عبد الرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق بیروت، دار الرشید مؤسسه ایمان، ۱۴۱۸ق
۳۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق
۳۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر المرتضی، ۱۴۰۳ق
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
۴۱. طبری، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، تحقیق محمد حسن جواهری، نجف، انتشارات کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق
۴۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق
۴۳. عثمانی، محمد ثناء الله، التفسیر المظہری، تحقیق غلام نبی تونسلی، کویتہ پاکستان، مکتبہ رشدیہ، ۱۴۱۲ق

۴۴. عراقچی، سید عباس، «اندیشه های ابو الاعلی مودودی و جنبش احیاء طلبی اسلامی»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹، ص ۷۳-۱۰۶ پاییز ۱۳۷۸
۴۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
۴۶. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ریاض عمان، بیت الافکار الدولیه، بی تا
۴۷. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق
۴۸. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، تحقیق و تعلیق از آیت الله سید ضیاء الدین علامه، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین، ۱۴۰۶ق
۴۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق
۵۰. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجرة، بی تا
۵۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش
۵۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ق
۵۳. قمی، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش
۵۴. قمی، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، همراه با ترجمه آیت کوه کمره ای، قم، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش

۵۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش
۵۷. کلینی رازی، محمد یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۵ش
۵۸. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش
۵۹. کاشانی، ملا فتح الله، زبده التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق
۶۰. گیلانی، سید اسعد، نگاهی به احوال آثار و افکار سید ابو الاعلی مودودی، ترجمه نذیر احمد اسلامی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۰شمسی
۶۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق، عبدالزهرا علوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۶۲. محلی، جلال الدین و سیوطی، جلال الدین، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق
۶۳. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۶۴. مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا
۶۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تفسیر القرآن المجید، تحقیق سید محمد علی ایازی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴ق
۶۶. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق

۶۷. مودودی، سید ابو الاعلی، تفهیم القرآن، لاهور پاکستان، اداره ترجمان القرآن، بی تا
۶۸. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدۃ الابرار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش
۶۹. نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضۃ الواعظین و بصیرۃ المتعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا
۷۰. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق
۷۱. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی، زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق